

فضا، هندسه و زیبایی‌شناسی

از میان تفکرات کانت به سوی تفکرات دلوز

پگ روز

مترجم: علی تولمی مقدم

● سرشناسه:

راوز، پگ، ۱۹۶۸ - م.

Rawes, Peg

● عنوان و نام پدیدآور:

فضا، هندسه و زیبایی‌شناسی: از میان تفکرات کانت به سوی تفکرات دلوژ/ پگ روز؛ مترجم علی تولمی مقدم.

● مشخصات نشر:

اصفهان: سنجش سپاهان، ۱۳۹۶.

● مشخصات ظاهری:

ص. ۳۰۰

● شابک:

978-964-2766-80-2

● وضعیت فهرست نویسی:

فیا

● یادداشت:

عنوان اصلی: Space, geometry and aesthetics : through Kant and towards Deleuze, 2008

● یادداشت:

کتابنامه: ص. ۲۹۳ - ۳۰۰

● عنوان دیگر:

از میان تفکرات کانت به سوی تفکرات دلوژ.

● مؤلف:

کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م.

● مصو:

kant, Immanuel

● مؤلف:

دلوژ، ژیل، ۱۹۲۵ - ۱۹۹۵ م.

● موضوع:

Deleuze, Gilles

● موضوع:

زیبایی‌شناسی

● موضوع:

Aesthetics

● موضوع:

فضا

● موضوع:

Space

● موضوع:

هندسه - مبانی

● موضوع:

Geometry -- Foundations

● شناسه افزوده

تولمی م.م. علی، ۱۳۹۶ -

● رده بندی کنگره

۱۶۶۲۱BD، ص. ۲/۱

● رده بندی دیویی

۱۱۴

● شماره کتابشناسی ملی

۴۶۸۴۱۲۴

● نام کتاب: فضا هندسه و زیبایی‌شناسی

● مترجم: علی تولمی مقدم

● صفحه‌آرا: مریم احمدی

● طراح جلد: علی تولمی مقدم

● چاپ: نوین

● ناشر: سنجش سپاهان

● سال نشر: ۱۳۹۶

● نوبت چاپ: اول

● شمارگان: ۵۰۰ جلد

● قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

● شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۶-۸۰-۲

کلیه حقوق برای مترجم محفوظ است.

تکثیر تمامی یا قسمتی از این اثر به صورت حروفچینی یا چاپ مجدد، چاپ افست، فتوکپی

و انواع دیگر چاپ ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

عنوان	صفحه
پیشگفتار مترجم	۵
پیشگفتار نویسنده	۸
مقدمه	۱۵
فصل اول: ترسیم اشکال	۲۹
بخش اول: اشکال جسم یافته	۲۹
فرم‌های سه‌بعدی خالص	۳۲
روابط تجزیه‌ای و ترکیبی	۳۶
فضا و زمان	۳۹
تفاوت‌های بیرونی و درونی فضا	۴۲
بخش دوم: اشکال ترسیمی	۴۵
عملکردهای ساختار	۴۵
قضاوت بازتابنده	۴۷
تصور	۵۰
ترسیم یک خط	۵۹
خلاصه فصل	۶۴
فصل دوم: تاکردن - باز کردن	۶۷
هندسه استدلالی	۷۲
روح	۷۸
تصور	۸۲
نهایت و بینهایت	۸۸
تصور، نهایت و بینهایت	۹۳
استدلال پذیری عناصر	۹۸

شکل ۱۰۳

خلاصه فصل ۱۰۷

فصل سوم: گذارها ۱۰۹

روش‌های هندسی پس از دکارت ۱۱۰

روش هندسی در کتاب «اخلاق» ۱۱۴

خبرنامه ۱۱۸

گذار یک: ویژگی‌ها، مدل‌ها، آثار و مفاهیم مشترک ۱۲۴

گذار دو: خوشه‌ها ۱۳۹

گذار سه: دل‌های تفکر هندسی ۱۴۳

خلاصه فصل ۱۵۰

فصل چهارم: پلنوم‌ها ۱۵۳

فضاهای اشغال شده توسط مادی ۱۵۳

انتقال از هندسه ترکیبی به هندسه -بریه‌ای ۱۵۸

اندازه‌ی مادی ۱۶۵

اندازه‌ی غیرمادی ۱۷۲

ادراک ۱۷۲

اشتیاق ۱۷۴

روح ۱۷۷

عقل کافی ۱۸۲

پلنوم ۱۸۷

خلاصه فصل ۱۹۶

فصل پنجم: پوشش‌ها ۱۹۹

نهایت و بینهایت ۲۰۳

وسعت ۲۰۶

تصویر بدن و ادراک ۲۱۱

۲۱۴	ادراک
۲۱۷	حافظه
۲۲۱	پوشش
۲۲۳	فضا و زمان
۲۳۰	شهود
۲۳۴	پوشش یک: شهود به عنوان مدت زمان
۲۳۶	پوشش دو: فلسفه شهودی
۲۳۸	پوشش سه: هندسه طبیعی و ساختار شهودی
۲۴۶	خلاصه فصل
۲۴۹	فصل ششم: افق ما
۲۵۲	دلیل هندسی و بانی برای هستی شناختی و تاریخی
۲۶۱	ایده‌های حسی هندسی و شهرهای حسی هندسی
۲۶۷	توضیح
۲۷۳	بازیابی مفهوم شهود حسی، رتبه‌بندی، دکارت و کانت
۲۷۸	خودگواه هندسی
۲۸۱	افق‌ها
۲۸۶	افق یک: بین الادهانی (قابلیت شمول به هر چه فاعل)
۲۸۹	افق دو: افق‌های ما و افق‌های آینده
۲۹۳	خلاصه فصل
۲۹۵	کتاب شناسی

پیشگفتار مترجم

اگرچه هندسه به عنوان یکی از زمینه‌های مهم در توسعه علوم مهندسی به ویژه معماری می‌تواند نقش چشمگیری داشته باشد، اما در میان پژوهش‌های این عرصه به صورت واضح نادیده گرفته شده است و می‌توان گفت که در بین تالیفات موجود در دهه‌های اخیر، به غیر از انگشت شماری آثار ارزشمند، منبع دیگری یافت نمی‌شود که اکثر این آثار نیز به طور جامعی به موضوع هندسه نپرداخته‌اند، بلکه به صورت تخصصی و موضعی آن را بررسی کرده‌اند. این کتاب حتی در میان متون انگلیسی زبان هم، از معدود کتاب‌هایی است که با نگاهی عمیق، موشکافانه و قیاسی فلسفه‌ای رایج و مهم درباره‌ی هندسه را بررسی می‌کند و همچنین از معدود کتاب‌هایی است که توانسته با ساختار علمی دقیقی که دارد، تعریف عمیق‌تر و جامعی از هندسه و رابطه‌اش با زیبایی ارائه دهد. از همین رو ترجمه این کتاب علاوه بر اینکه تالیف ارزشمندی را در مورد موضوع هندسه به متون فارسی زبان اضافه می‌کند، به طور خاص دریچه‌ای را برای پژوهشگران این حوزه می‌گشاید تا به نگاه متفاوتی از موضوع هندسه و زیبایی در فلسفه‌های هستی‌شناختی رایج دست یابند.

باتوجه به مطالب فوق، دغدغه اصلی برای ترجمه این کتاب را می‌توان برخورد‌های بسیار زیاد با تعاریف سطحی از هندسه دانست. چه بسیاری از مولفان

و پژوهشگرانی که هندسه را صرفاً در اشکال و ترسیمات هندسی می‌یابند و چه بسیارند طراحان و مهندسانی که هندسه هیچ جایگاهی در روند طراحی آن‌ها ندارند؛ و این در حالیست که هندسه می‌تواند نقش شگرفی در ایجاد نظم فکری بصری برای طراحان و مهندسان معمار داشته باشد. هدف اصلی از ترجمه این کتاب را می‌توان جلب توجه پژوهشگران و صاحب نظران این عرصه، به این توجه بیشتر به این مقوله مهم و ارزشمند دانست. اگرچه به دلیل نگاه خاص و چند جانبه، این کتاب می‌تواند در عرصه‌های مختلفی همچون فلسفه و هنر نیز مفید باشد. ولی معمار بودن نویسنده و مترجم آن، نشان از جای خالی هندسه در میان معماران و طراحان خبر می‌دهد. از همین رو امید می‌رود تا این کتاب، به عنوان یک مورد توجه دانشجویان و اساتید معماری قرار گیرد تا بتواند به عنوان یک کوشش در راستای بازگرداندن هندسه به جایگاه حقیقی اش در معماری این مرز و بوم مشارک ثمر واقع شود.

بعد از بیان چرایی ترجمه این کتاب، به این چند نکته در باب چگونگی ترجمه‌ی این کتاب ضروری می‌باشد. اولین و مهم ترین نکته، انتخاب راه مناسبی میان ترجمه‌ی کلمه به کلمه به منظور حفظ و انتقال بیان نویسنده و ترجمه‌ی معنایی برای حفظ خوانایی و روانی متن می‌باشد. از همین رو پس از ترجمه‌ی اولیه‌ی کتاب، چندین بار بازترجمه و ویراستاری صورت گرفت تا به تناسب مناسبی از ترجمه معنایی در عین حفظ بیان خاص و منحصر به فرد نویسنده حاصل گردد. ثقیل و پیچیده بودن بیان کتاب که امری رایج در میان تالیفات فلسفی می‌باشد، عیب جدی نبوده است که در برخی از بخش‌های کتاب، ارائه یک ترجمه‌ی روان، ساده و قابل فهم در عین حفظ بیان نویسنده ممکن نباشد و فهم کامل و درست متن، نیازمند چندین بار مطالعه باشد. از همین رو شایان ذکر است که گفته شود علیرغم مشورت با مترجمین صاحب نظر و با تجربه، در بخش‌هایی از کتاب ترجمه‌ی روان و کاملاً واضح و مفهوم حاصل نشد که رجوع به متن اصلی کتاب تنها راه برطرف شدن شبهات و اختلاف نظرها در مورد منظور و مقصود اصلی نویسنده می‌باشد؛ که این امر توسط رجوع به یادداشت‌های ارائه شده، برای خوانندگان فراهم شده است.

یادداشت‌های ارائه شده در این کتاب با موارد رایج ذکرشده در یادداشت‌های

کتاب‌های دیگر، مقداری متفاوت است. در این کتاب کلیدواژه‌های مهم هر فصل که بار اصلی انتقال مفاهیم را بر عهده دارند، به صورت پاورقی ارائه شده‌اند تا هم خواننده از واژه‌ها و عبارات اصلی مورد استفاده‌ی نویسنده آگاه باشد و هم کمکی باشد برای تحقیق بیشتر در مورد مفاهیم مهم و کلیدی هر فصل. این امر به خواننده کمک می‌کند که علاوه بر خواندن ترجمه‌ی متن، اصطلاحات انگلیسی مورد استفاده‌ی نویسنده و فیلسوفانی که تفکرات آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته را نیز در اختیار داشته باشد تا اگر در مواردی ترجمه‌ی ارائه شده خوانا و مفهوم نبود، راهی برای دسترسی به مقصود و مفهوم مورد نظر نویسنده وجود داشته باشد.

مورد بهی در ترجمه‌ی کتاب، استفاده‌ی نویسنده از کلماتی یکسان با معانی متفاوت است که یک کلمه در بخش‌های مختلف متن، معانی متفاوتی داشت و تشخیص اینکه در هر مورد، کدام معنی مورد نظر نویسنده می‌باشد، امری دشوار و مبهم است؛ که در چنین مواردی، با مشورت با مترجمین مختلف و با سابقه، معیار انتخاب، مفرد، رایجی جمله و پاراگراف در نظر گرفته شد و امید می‌رود که معانی انتخاب شده با سطوح و مقصود نویسنده مغایر نباشد. البته در این موارد هم رجوع به پاورقی‌هاست تا به خواننده این امکان را بدهد که بنا بر تشخیص خود، معانی‌ای غیر از ترجمه‌ی ارائه شده در نظر بگیرد.

به عنوان نکته پایانی باید گفت که در این کتاب اینک این ترجمه، اولین ترجمه‌ی رسمی و چاپ شده‌ی مترجم می‌باشد و با توجه به محدودیت زمانی موجودی که برای چاپ کتاب وجود داشت، ممکن است که در چاپ نخست، نقص‌ها و ناخوانایی‌هایی وجود داشته باشد که اگر امکان تجدید چاپ‌های بعدی وجود داشته باشد، با بررسی بازخوردهای خوانندگان و پژوهشگران این عرصه، ترجمه‌ی بهتر و مطلوب تری همراه با بخش‌های توضیحی و جداول مقایسه‌ای برای فصل‌های مختلف کتاب ارائه خواهد شد. در نهایت از کمک‌ها و همراهی‌های همسر گرانقدرم، خانم **طاهره مطیعی** که در تمام مراحل ترجمه و ویراستاری این کتاب در ارائه‌ی یک نتیجه‌ی مطلوب، نقش به سزایی داشته‌اند، صمیمانه قدردانی و تشکر می‌کنم.

علی تولمی مقدم - بهار ۱۳۹۶

پیشگام‌ر نوآینده

سوژه‌های تجریم یافت

این تحقیق علاقه‌ی من به به روش‌های مختلف ساختن وجودهای فضایی-زمانی و پیکربندی‌های هندسی در زندگی را منعکس می‌کند. به طور گسترده، این پژوهش یک هدف مهم و ساده دارد: کاوش این که چگونه روابط هستی‌شناختی بین فضا، هندسه و زیبایی‌شناسی می‌تواند بیانی مفید و معنی‌دار از ذهنیت مدرن باشد. همچنین، با توجه اینکه هدف این کتاب این نیست که این روابط را به طور میان‌رشته‌ای بررسی کند، این گفت‌وگو پیامدهایی برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای فضایی، هندسی و زیبایی‌شناسی همراه خواهد داشت؛ برای مثال مطرح می‌شود که بررسی زیبایی‌شناختی روابط بین هندسه، فضا و ذهنیت می‌تواند توسعه‌ی مدل‌های معماران برانده فضایی-زمانی را ممکن کند و به مفهوم پیکربندی در زمینه‌های مدرن هنر کمک کند. علاقه‌ی من به سوژه‌ها و اشکال هندسی می‌تواند تحت تأثیر بررسی ذهنیت توسط فلسفه‌ی فمینیسم باشد. در حالی که بدون شک منظور من این نیست که

ذهنیت هندسی^۲ به آن شکلی که در این کتاب بررسی می‌شود مربوط به سوژه‌های جنسیت‌بردار است، بلکه تمرکز من روی اشکال فضایی-زمانی تجسم مادی و غیرمادی و زیبایی‌شناسی، در متن این دیدگاه توسعه یافته است که این گفت‌وگوها در رابطه با ذهنیت‌های جنسیت‌بردار نیز به کار می‌آیند؛ به ویژه به این دلیل که نیاز به بررسی چگونگی رابطه‌ی سه‌گانه بین ذهن آگاه، زیبایی‌شناسی و فضا، برای یک فرد به عنوان حقیقت واقعی می‌شود و اینکه این فرد چگونه می‌تواند آن را بروز دهد. با این حال، برای بسیاری نظریه‌پردازان فمینیست اساس نزاعی و تجسم نیافته علمی فضا و هندسه^۳، آن‌ها را در زمینه‌ی هنرهای مربوط به تجربیات جنسیت‌بردار ناکارآمد ارائه داده است. برای مثال، فیلسوف‌های معاصر در زمینه‌ی هستی‌شناسی و فیلسوف‌های فمینیست مشاهده کرده‌اند که «ذهن ادراکی»^۴، به این ایده‌ها و اجسام هندسی و فضایی متعالی دسترسی ندارد. برای بعضی منتقدین (به ویژه کسانی که با تحلیل‌های دلوز، نظریات برگسون را می‌خوانند) این مسائل منجر به ایجاد این دیدگاه شده است که تفکر فضایی بهتر است با زمان برتر جایگزین شوند. همچنین، نظریاتی هم ادعا می‌کنند که هندسه فضایی زمانی می‌تواند مشکل ارائه‌ی صوری را با قبول کردن تضاد انحصاری بین فضا، دانش تجزیه‌شده‌ای علمی^۵ و زمان (فرایند تجسمی زیبایی‌شناسی^۶) حل کند. شایان ذکر است که این مباحث در طراحی معماری و فضایی در زمینه‌ی هنرهای بصری به کار گرفته می‌شوند؛ این گفت‌وگوها اغلب چگونگی رفتار فرد در زمینه‌های معاصر را در نظر نمی‌گیرند؛ برای مثال ساختن تجربیات مادی و فضایی از طریق شهود هندسی علمی و حسی زیبایی‌شناختی.

2-The geometric subjectivity

3-The abstract disembodied scientific basis of space and geometry

4-The perceiving subject

5-Disembodied scientific knowledge

6-Embodied aesthetic process

با این حال، متفکرینی مانند کاترین باترزی، جودیت باتلر، کلیر کلبروک، ادوارد کسی، مایرا گاتنز، الیزابت گراس، کتلین لنون، ژنویو لوید و جان راجمان نشان داده‌اند که پیکربندی‌های منفرد، موضعی و تجسم‌یافته‌ی روابط مادی و فضایی-زمانی وجود دارند که به موضوع رفتار آزاد و ذهن آگاه^۷ اجازه‌ی وجود می‌دهند. بنابراین، با این زمینه‌ی فکری است که از خواننده دعوت می‌کنم مثال‌های تاریخی مفید روابط فضایی-زمانی را کاوش کند و به بررسی‌های جدیدی از اجسام جنسیت‌بردار هندسی زیبایی‌شناسانه برسد. به طور خاص، با جاری‌سازی تفکر هندسی و فضایی در متن تفکر نقادانه و زیبایی‌شناختی کانت، پیشنهاد می‌کنم که دانش علمی و تجربه‌ی زیبایی‌شناسی در کنار یک‌دیگر به نوعی وحدت برسند. ^۸ هندسی^۸ برسند، به جای این که تحت قوانین جبری علمی عمل کنند. ما یک از روش‌ها و اشکال هندسی که در این جا بررسی می‌شوند در تلاشیم که مخلوقات هندسی را وارد پروژه‌ی زیبایی‌شناسی کنند (نه صرفاً تزیینی باشند برای فرایندهای علمی). برای مثال، این گفت‌وگو مطرح می‌کند: مسیر نوافلاطونی پروکلوس، ریاضیات کلاسیک اقلیدس را دگرگون می‌کند؛ متون بسادگارتی اسپینوزا و لایبنیتز تحلیل‌های هندسی قرن شانزدهمی دکارت را دگرگون می‌کنند و متون برگسون و هوسرل نظریات قرن نوزدهمی توپولوژی ریه‌ن را دگرگون می‌کنند. در نتیجه تفکر هندسی‌ای که از تجسم‌های بویا تشکیل شده است می‌تواند روابط بین زیبایی‌شناسی، فضا و ذهن آگاه را دگرگون کند. در نتیجه، سوژه‌های شکلی جدیدی می‌توانند در هندسه ایجاد شوند که بررسی‌های بن‌رسته‌ای را ممکن سازند؛ به ویژه برای پژوهش هستی‌شناختی در فلسفه، طراحی معماری، تاریخ هنر و بررسی‌های فضایی در هنرهای بصری.

7-The freely acting and sensing subject

8-Geometric figure-subjects

به سوی تفکرات دلوز^۹

این پروژه همچنین نظریات انتقادی دلوز درباره هندسه، فضا و زیبایی‌شناسی و همچنین بررسی‌های او را درباره فلسفه خُرد در فلسفه غرب را نیز در نظر گرفته است (مثالی برای تأیید این مدعا تحلیل و تجزیه‌های او درباره‌ی مفهوم واد (تا) در تفکرات پروکولوس و لاینیتز می‌باشد. یا بررسی‌های او درباره تجربه گرامی متعالی اسپینوزا). علاوه بر این برگسونیسم (در کتاب‌های تفاوت و تکرار (۱۹۹۷) منطق حس (۱۹۹۰))، پیکربندی مجدد دلوز از فلسفه هستی

شناخته را با رویج سنت‌های خرد تفکرات متعالی انتزاعی نشان می‌دهد.

بنابراین در پروژه فلسفه دلوز، این یک بررسی از سنت خُرد از تفکرات هندسی است. اما بررسی‌های من درباره حس فضایی در نظریات پروکولوس، اسپینوزا، لاینیتز، کانت، برگسون و هوسرل از خوانش دلوز از مسائل فضا-زمانی در نظریات این فلاسفه به دلال و متفاوت است؛ اول، به جای پیروی از دلوز و گاتاری در نقدهایشان درباره این مسائل از طریق مطرح کردن مفاهیمی مانند، "فضای هموار"، "ادراک" یا "چندنگی"، من مفاهیم فضا، هندسه و زیبایی‌شناسی را تجزیه و تحلیل می‌کنم. دوم، من این مورد را که مفاهیم هستی‌شناختی فضا، هندسه و زیبایی‌شناسی چگونه دستخوش پیکربندی مجدد معناداری می‌شوند را، در هر یک از برخوردهای فلسفی، قبل از ابداع دوباره دیدگاه بنیادین دلوز از آن‌ها، به‌عنوان هستی‌شناسی حس، دید بررسی می‌کنم. سوم، تعامل دلوز با این فیلسوفان موضوع اصلی تحقیق من نیست (بررسی این روابط نیازمند مطالعه دیگری است)؛ به‌عنوان مثال، تحقیق من در مورد ذهن آگاه از طریق تجزیه و تحلیل موضوع زیبایی کانتی در یک زمینه خالص اتفاق نیفتاده است، بلکه از پیروی تئوری فردیت‌های یکنوای دلوز^{۱۰} شکل گرفته است. در عوض، مایلم تا نشان دهم که بین پروژه انتقادی کانت

9-Towards Deleuze

10-Deleuze's theory of univocal singularities

و پژوهش‌های متمرکز دلوژ در مورد عقل حسی در فلسفه هستی‌شناختی، برخورد‌های هندسی مولد وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، فصل آخر در مورد هوسرل ممکن است یک مسیر انحرافی از مسیر تجربه‌گرایی مستقیم به سمت دلوژ را ارائه دهد. با این حال، این شامل این موضوع هم می‌شود که تفکر هندسی هوسرل، به‌ویژه، ارتقاء شهود حسی هندسی وی (که قطعاً متعالی و واضح است) چگونه ممکن است ارتباطاتی را با حس تجربه‌گرایی متعالی‌ای که توسط دلوژ بیان شده است، مشخص کند؛ (اگرچه ایده‌های هندسی هوسرل با برخی از ایده‌های هندسی سایر فلاسفه که در اینجا بررسی می‌شوند مرتبط می‌باشند، به همان اندازه با تفکر دلوژ در ارتباط نیستند).

بنابراین، این بحث تفکر مبتکرانه‌ای در مورد فضا، هندسه و زیبایی‌شناسی را در متون فلسفی بررسی می‌کند که دلوژ در حال حاضر به‌طور قابل‌توجهی برای محققان مدرن، آن را احیا کرده است. در نتیجه، یک رابطه زاویه دار بین جستجوی من در مورد مسائل هندسی، فضا-زمانی و زیبایی‌شناسی و بررسی‌های دلوژ در مورد این مسائل در فلسفه قاره‌ای وجود دارد، و در این رابطه، این کتاب ممکن است به‌عنوان پاسخ به بررسی‌های دلوژ درباره فضا-زمان و احساس در نظر گرفته شود.

این تحقیق همچنین تا حدی نشان‌دهنده تغییر در درگیری با فلسفه دلوژ است که در طی دهه گذشته در فلسفه قاره انگلیسی و آمریکایی قرار گرفته است. این پروژه تا حد زیادی بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۴ توسعه یافته است، اگرچه فصل آخر اخیراً نوشته شده است، زمانی که مباحث در مورد ارتباط بین عقل‌گرایی، پدیدارشناسی و تفکر تجربی مادی دلوژ در یک لحن سازنده و تحلیلی قاره‌ای انگلیسی و آمریکایی در نظر گرفته شدند. با این حال، هنگامی که من برای اولین بار در طول تحصیلات تکمیلی‌ام با نوشتار دلوژ مواجه شدم، همکاری میان‌رشته‌ای وی با گاتاری، بسیاری از محققان را قادر ساخت تا تفکر انتزاعی و شیوه‌هایی را ترویج کنند که به دنبال رد شیوه‌ی فلسفی قاره‌ای معاصر هستند. با وجود این اخیراً، بحث‌ها در مورد رابطه بین دلوژ و فلسفه هستی‌شناختی

تحت تاثیر تغییرری قرار گرفته‌اند؛ این تغییر بررسی می‌کند که او چگونه می‌تواند وضعیت بحرانی داخلی و خارجی نظام فکری موجود را پیکربندی مجدد کند. این پروژه این تغییرات را تا جایی که برخی از منابع فلسفی در تفکر دلوز بررسی کرده‌اند، بازتاب می‌دهد و حوزه‌های هندسی، فضایی و زیبایی‌شناختی آن‌ها را در داخل نظام موجود مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهد تا حوزه‌هایشان با نظام‌های فکری دیگر که زیبایی‌شناسی، احساس و ذهنیت^{۱۱} را در ورای مرزهای فلسفه جستجو می‌کنند، مشخص کند. از همین رو تمایل دارم برای خوانندگان این رشته ای، به‌خصوص خوانندگانی که با فلسفه از طریق نوشته‌های دلوز درگیرند، برای رسیدن به درک بهتر، برخی از منابع فلسفی از نظرهای او را به دسترسان بگذارم.

به طور کلی اما، من به این است که این پروژه به‌عنوان یک گام به عقب به سمت بحث‌های فلسفی رفته شود که فضا، زیبایی‌شناسی و هندسه را به ساختارهای قانونی ایستاده می‌کنند (اینکه دلوز در فلسفه بومی‌ای که با جهان مادی زنده درگیر نیست، رها کرده است). در نقطه مقابل، این بررسی در چارچوبی که معتقد است روابط پویا بین فضا، هندسه و زیبایی‌شناسی برای متخصصان معاصر در فلسفه و فراتر از آن، حاد هستند، شکل گرفته است. مخصوصاً برای تولید فضاهای پیشنهادی که از دلایل هندسه بدون آنکه به یک فرم علمی انحصاری محدود از حقیقت سازی یا دانش^{۱۲} سرشار شود، می‌تواند مورد بحث باشد.

بنابراین این بحث با عنوان "به سوی تفکرات دلوز" طرح‌ریزی شده است، نه به این معنا که خوانندگان او را در پایان کتاب پیدا خواهند کرد، بلکه او به صورت وجودی مجازی در تمام این کتاب حضور دارد. از همین رو هر فصل از کتاب یک، انحراف مسیر به سمت تمایل دلوز برای ابداع و نوآوری در فلسفه را ارائه می‌دهد و تا جایی که حق انتخاب داشتیم فلاسفه‌ای را انتخاب کردیم که از تفکرات او آگاهند و به نوعی نظراتشان با نظرات او آمیخته است.

11-The sensibility and subjectivity

12-an exclusively scientific form of truth-making or knowledge

این کتاب سنت‌های پارادایم‌های مربوط به هندسه‌های زیبایی شناختی را در فلسفه هستی‌شناختی بررسی می‌کند. من از طریق بسط موضوع زیبایی در تفکرات کانت، یک خط سیر از انکر هندسه و تجسم هندسی در یونان باستان، عصر پساکارتی و در غارهای فلسفی قرن بیستم را که از میان فهم‌های بدست آمده از فضا و ذهنیت‌های تجسم یافته^۱ ایجاد شده‌اند، توضیح می‌دهم. این بحث دارای دو هدف می‌باشد: اول، به دنبال از هم تسبیح رابطه طبیعی میان شکل‌ها یا ایده‌های هندسی و فرم‌های محدود واقعیت عینی^۲ است و دوم، ارتقا اهمیت حس زیبایی‌شناسی در محصولات برآمده از تفکر هندسی می‌باشد. به همین دلیل، من شکل‌ها و روش‌های هندسی‌ای را که در مقابل نزول پیدا کرده به تفکرات هندسی علمی بسیار ساده و تکراری مقاومت کرده‌اند را انتخاب کرده‌ام.

فلسفه انتقادی کانت ارتباط منفی موجود بین هندسه و فرم‌های تقلیل دهنده تفکر علمی را به چالش می‌کشد. برای کانت موضوع تجربه هندسه از حالت‌ها مختلف تفکر نشأت می‌گیرد: شهود محض، شهودهای حسی،

1-An overlooked 'tradition' of aesthetic geometries in ontological philosophy

2-Embodied subjectivities

3-Limited forms of scientific truth

فعالیت‌های تکنیکی و زیبایی‌شناسانه^۴. این کتاب این ارتباطات را می‌شکافد و مطرح می‌کند که یک زیبایی خاص برآمده از هندسه در انتقال از نظریه «انتقاد از عقل محض»^۵ (۱۷۸۷-۱۷۸۱) به نظریه «انتقاد از قضاوت»^۶ (۱۷۹۰) وجود دارد. در این انتقال، هندسه به عنوان یک علم عینی موجود در واقعیت، درونی می‌شود و به عنوان یک تجربه حسی زیبایی‌شناختی و رفتارهای زیبایی‌شناختی اختار^۷ مطرح می‌شود. موضوع زیبایی‌شناختی کانت یک شکل جاودانه از رابطه هندسه و زیبایی ارائه می‌دهد؛ زیرا هندسه در ذهن بازتابنده قدرت زیبایی‌شناختی اختار^۸ تجسم می‌یابد. علاوه بر این، خارج از این بحث، من این موضوع نه بحث زیبایی کانت چگونه قادر به بازیابی توصیف نوافلاطونی و بسادگارتی از تفکر هندسی باشد و یک پساکانتی چگونه قادر به ردیابی خط سیر تفکرات رادیکال هندسی زیبایی‌شناختی می‌باشد را نیز بررسی کرده‌ام.

شش فصل این کتاب ساختار این شکل‌ها و روش‌های هندسی زیبایی‌شناختی را در مجموعه متن مرتبط با هندسه که توسط کانت، پروکلوس، اسپینوزا، لابنتیز، برگسون و هومر^۹ نوشته شده بررسی و تحلیل می‌کند. در هر یک از موارد فوق، هندسه به عنوان یک فرایند زیبایی‌شناختی خاص و منحصر به فرد (به جای روش تجزیه علمی) ارائه می‌شود. من با ایجاد چالش در قبول این فرض که "هندسه فقط به فرم‌های هندسی تفکر علمی وابسته می‌باشد"، نشان می‌دهم که تفکرات و نظرات هریک از فلاسوفان فوق چگونه به احساس زیبایی‌شناختی و حس هندسی آغشته است (برای مثال تولید محدود و معین اندازه‌گیری‌های فضا). نظریه «انتقاد از قضاوت کانت»،

4-Pure intuition, Sense-intuitions, Technical and aesthetic activities

5-Critique of Pure Reason

6-Critique of Judgment

7-Aesthetic acts of construction

8-The reflective subject's aesthetic powers of construction

اولین زمینه مواجهه هندسی است که رابطه میان مفاهیم تثبیت شده تکنیکی^۹ و موضوع زیبایی شناختی را فراهم می‌کند و این در عمل ترسیم اشکال هندسی تجسم یافته است. در بسط و گسترش از تعریف هندسه به عنوان یک رفتار یا یک فرایند زیبایی شناختی (از نوشته‌های انتقادی کانت، رجوع به تفسیرهای پروکولوس از روش‌های هندسی علمی اقلیدس، فلسفه‌های پسادکارتی لایبنیتز و اسپینوزا، پیشروی در نظرات متافیزیکی برگسون از مسافت و تعریف هوسرل از افق) یک بینش و جهان بینی از شکل‌ها و روش‌های هندسی زیبایی شناختی می‌تواند بازایی شود. از همین رو، بررسی این بشر بزنی از سنت‌ها و پارادایم‌های موجود، به خصوص زیبایی‌شناسی و تجسم مفهوم «حیات» حیات تعریف می‌شود و شش شکل و صورت هندسی (ذهن بازتابنده، ولده، گذر، پلنوم‌ها، پوشش‌ها و افق‌ها)^{۱۰} مفاهیم تثبیت شده هندسی و زیبایی شناختی منحصر به فردی را به جای موضوعات دیالگراسی یا ایده‌های دانش علمی شکل می‌دهند.

فضا

نوشته‌های کانت درباره‌ی فضا، سوال‌های مهمی را راجع به دسترسی موضوعی به فرم‌های فضایی دانش و تجربیات زیبایی شناختی ایجاد می‌کند. این دسترسی‌های موضوعی با نظم و فلسفه هستی شناختی معاصر که حالت‌های مختلف علمی و زیبایی‌شناسی را باهم درگیر کرده است، مرتبط باقی می‌ماند. (برای مثال طراحی معماری)

در ابتدا، در «انتقاد از عقل محض» فضا به دلیل اینکه فرم جدا شده از فرم

9-Technical enactments

10-the reflective subject, folds, passages, plenums, envelopes and horizons

عینی خالص از هندسه‌ی شهودی^{۱۱} می‌باشد، یک فرم ناکافی از دانش حسی^{۱۲} در نظر گرفته می‌شود (برای مثال عقل محض). فضا با محسوس بودن آن و تقلید شهودی فرمی علم متعالی تعریف می‌شود. علاوه بر این، زمانیکه به عنوان یک گزارش فرمی از شهود حسی درک شود، فضا و زمان حتی به منابع ضعیف تری از دانش علمی تبدیل می‌شوند؛ برای مثال، زمانیکه زمان به عنوان یک حده‌دیت عمومی و درونی از ادراک و شهود فضایی در درون ذهن تعریف می‌شود. به این منوال فضا و زمان یک دانش ناکافی از دنیای خارجی را تولید می‌کنند؛ زیرا آن‌ها به عنوان یک فرم خارجی از شهود قابل درک ارائه می‌شود و زمان یک تولید حسی از تجربه حسی می‌باشد. در نتیجه به یک سلسله مراتب میان زمان و مکان اسناد شده است؛ زیرا صورت پدیدارشناختی شهود فضایی^{۱۳} از یک عینیت خارجی‌ای که از فرم علمی ثابت و متناظر با آن از علم متعالی ممکن می‌شود، انتقاد می‌رود و هندسه واسطه‌ی میان عقل محض و نظریات قابل درک و مرتبط با ریاضات می‌باشد.

تعریف کانت از فضا در نظریه «انتقاد عقل محض» به این دلیل عمیقاً در تضاد با خواسته‌های معاصر برای فلسفه‌ی حسنی شناختی است که می‌خواهد ذهن (و از نظر خیلی‌ها، دارای جنسیت) آگاه و احساس آزاد^{۱۴} را رشد دهد. با این حال در نظریه بعدیش یعنی «نظریه انتقاد از قیاس» قصد داشت یک نظریه راجع به فضا ارائه دهد به گونه‌ای که ذهن آگاه را بهتر ساخته شده است. این نظریه‌ی فرم‌های تجسم یافته از شهود هندسی و فضایی با ذهن بازتابنده قدرت زیبایی‌شناختی تولید^{۱۵}، به خصوص احساس و تصور بیان شده

11-Pure objective form of geometric intuition

12-Inadequate form of sense-knowledge

13-Spatial intuition's phenomenological appearance

14-The freely thinking, sensing (and, for many, the sexed) subject

15-The reflective subject's aesthetic powers of production

است. هندسه و زیبایی از طریق عمل بیرون کشیدن اشکال فضایی به هم درگیر شده‌اند؛ به عنوان مثال زمانی که کانت راجع به اینکه تصور چگونه مولد زیبایی شناختی و فعال از هندسه و فضا است بحث می‌کند؛ به خاطر اینکه تصور، مشابه ابزارهای تکنیکی‌ای که اشکال هندسی را می‌سازند عمل می‌کند (مثل قطب نما و خط کش). فضای هندسی در خارج از احساس و قدرت‌های تکنیکی ذهن ساخته می‌شود (به جای اینکه به عنوان یک وجود وابسته به ذهن پنداشته شود). فضا را همین رو دوباره به فرم‌های خالص از استدلال از طریق قدرت‌های ذهنی تجسم یافته از تفکر هندسی و نظریات زیبایی شناختی مرتبط می‌شود.

هندسه

هندسه بزرگترین عام می‌است که از نخستین ایده‌هایی می‌باشد که درباره فضا شکل گرفته است. برای مثال عملیات‌های هندسی که برای اندازه‌گیری و تقسیم محصولات، مشخص کردن اضاهای عمومی به شیوه‌ای قابل قبول برای همه و رابطه بین موضوعات زیبایی استفاده می‌شده است. در مقابل در شکل‌های کاربردی آن، دانش‌های سده‌ها در مراتب موخرتری نسبت به جایگاه مقدم خود در نظر گرفته می‌شوند؛ برای مثال زمانی که نقشه‌های معماری به عنوان تقلیدهای مادی از قوانین متعالی قدسی و ذاتی دانش هندسه خوانده می‌شوند. متناوباً در این نوع مادی زیبایی‌شناسی برای مثال صورت‌های هندسی در هنرهای بصری، شهود هندسی تجسم شده است. نکته مستمری در نبود یک ارزش هستی شناختی سازنده و قانونی درک می‌شود؛ برای مثال اشکال هندسی در نقاشی‌های "فرمالیستی" که احتمالاً به عنوان یک نظر قدم متعالی یا در یک تقلید موخر از نظریات هندسی انتزاعی و قطعی^{۱۶} دیده می‌شود؛ در نتیجه محصولات زیبایی شناختی هندسی در مقابل واقعی سازی آزادی هستی شناختی^{۱۷} قرار می‌گیرد.

16-A posteriori imitation of deterministic and abstract geometric ideas

17-The realization of ontological freedom